گفت و گو با هوشنگ امیراحمدی

رییس شورای امریکایی –ایرانی (AIC)(۳)

یکشنبه، ۴ آگست ۲۰۰۲

به دنبال اعتراضات پردامنه ای که گروه کثیری از ایرانیان برون مرزی نسبت به تشکیل کنفرانس «شورای امریکایی- ایرانی» (۱۳آگست ۲۰۰۲) بروز دادند، آقای هوشنگ امیراحمدی، رییس ایرانی این شورا، و آقای اکبر قهاری، خزانه دار آن، در یک جلسه ی مطبوعاتی شرکت کردند و به پرسش های آقای بیژن خلیلی (ازهفته نامه ی ایرانشهر)، و آقای سهراب اخوان (از رادیو ایران ۶۷۰ ای.ام) پاسخ دادند. ایرانشهر، که در شماره های گذشته، خوانندگان خود را در جریان کیفیت ها و انگیزه های کنفرانس AIC قرار داده بود، چاپ شرح کامل این گفت وگو را نیز ضروری می داند. اما از آن جا که طول این گفت و گو با گنجایش ایرانشهر همانند نیست، و از آن جا که این گفت وگو، از نظر مسائل جاری در ایران حائز اهمیت است، به ناگزیر، از ایرانشهر شماره ی ۱۹۰ به چاپ متن این گفت وگو ، به صورت بخش های مسلسل اقدام کرده ایم.

منتها، به سبب جاافتادن یک بخش از مصاحبه، در شماره ی پیشین (۱۹۱)، با پوزش از خوانندگان گرامی، آن بخش افتاده را در این جا به چاپ می رسانیم.

بقیه در صفحه ی ۴

IRANSHAHR WEEKLY VOL 9, NO 192, Friday, August 30, 2002

ایرانشهر

گفتگو با هوشنگ امیراحمدی...

بقیه از صفحه ی ۱

●● اخوان: شما تهیه کننده ی فیلمی در مورد شاملو بودید.

■■ قهاری: مدت ها بود که امیر احمدی را در جامعه های مختلف در نیویورک یا نیوجرسی می دیدم ایشان خیلی اصرار داشتند که بنشینند با من صحبت کنند، من هم مثل بقیه ی مردم به دلیل شایعاتی که از ایشان شنیده بودم علاقه مند نبودم حتی بنشینم و با او صحبت کنم، تا این که پس از اصرار فراوان، نشستیم و یک جلسه ۴-۳ ساعته گذاشتیم و با هم بحث کردیم که در نتیجه من حرف های ایشان را قبول کرده و متقاعد شدم و تصمیم گرفتم که به او کمک کنم و عضو AIC شدم.

آن موقع وقتی قبول کردم، می دانستم که کار مشکلی در پیش است برای این که متأسفانه گاهی وقت ها تو راست می گویی و می دانی که راست می گویی و فکر می کنی که همه می دانند که شما چه کاره هستی و چکار می کنی . متأسفانه به او اون صورتی نیاندیم که خودمان را معرفی کنیم و با مردم بنشینیم صحبت کنیم. به اون صورت نیاندیم که به قول امریکایی ها Publicity بکنیم. در حقیقت روابط عمومی خوبی نداشته و هنوز هم نداریم . به همین دلیل بود که در مورد جنوب کالیفرنیا و لس آنجلس حقیقتاً ما اشتباه کردیم.

لازم بود ما قبل از این که کنفرانس بگذاریم، با ارباب مطبوعات و با صاحبان قلم و افرادی که چشم و گوش و صدای جامعه ی ایرانی این جا هستند، گفت وگو داشته و خود را به آنان معرفی نماییم و آن حسن روابط را برای خودمان بخریم تا آن ها بتوانند اهداف ما را به گوش مردم برسانند.

ما همیشه می گوییم یک میلیون ایرانی در آمریکا است که ششصد هزار نفر در کالیفرنیاست و لابد سیصد هزار نفر هم در لس آنجلس. ولی وقتی که به کیفیت این یک میلیون مهاجر ایرانی در آمریکا نگاه می کنیم، می بینیم آن ها ممکن است صدهزار دسته باشند یا ده هزار دسته باشند یا پانصد دسته. یعنی ما به اون صورت نیستیم که بگوییم یک میلیون ایرانی داریم، چون این یک میلیون ایرانی در هیچ کاری با هم دیگر همراه، هم صدا و هم فکر نیستند و بنابراین این یک میلیون تبدیل می شوند به گروه های ده هزار نفری ، بیست هزارنفری که آن هم قدرتی ندارند. یکی از کارهایی که ما سعی می کنیم انجام دهیم ولی متأسفانه به علت موقعیت Non-Profit بودن AIC نمی توانیم همه را از طریق AIC انجام بدهیم. ولی آن چه می توانیم از نفوذ و ارتباطات آن استفاده کرده و انجام بدهیم این است که (اول) خودمان را اینجا به قانون گذاران امریکایی، وکلای مجلس و خواه ناخواه دولت آمریکا بشناسانیم که بتوانیم از این نفوذ و دوستی استفاده کنیم. ولی به صورت فردی نمی شود حتا اگر AIC هم بتواند این کار را انجام بدهد، زیرا شورا، نماینده ی مردم ایران نیست یعنی هیچکس نیست.

ولی اگر بتوانی صدای خودت را که به نفع این هاست برسانی و آنان را با خود از نظر عقیده همنوا کنی، آن موقع است که یک میلیون نفر می تواند به صورت قدرت بزرگی به نفع مردم ایران کار کند. ما دو دفعه از سر این لایحه ای که توسط خانم «فاینشتاین» مطرح شد [نداندن ویزا به ایرانیان] خیلی چیز گذشتیم که این لایحه در واقع تصویب نشود. این لایحه نه تنها از نظر اتفاقاتی که در اثرش از نظر ما ها که ایرانی- آمریکایی یا آمریکایی- ایرانی هستیم همیشه می گذرد، یک حالتی مثل سیلی بر صورت است. چیزی که در آمار است و همه به آن افتخار می کنند، این است که جوامع ایرانی به اقتصاد و فرهنگ و جامعه ی آمریکا کمک می کند و این در حقیقت ظلم بود که چنین لایحه ای تصویب شد. همین الان هم ما می خواهیم با این لایحه challenge بکنیم، یا از طریق قانونی و یا از طریق سناتورها و وکلای مجلس. ما داریم صحبت می کنیم که این یک Amendment-ی باشد که اقوام آمریکایی هایی که ایرانی هستند مستثنی باشند. از شش ماه پیش با عده ی زیادی از سناتورها نشسته و مسئله را مطرح کردیم وخوشبختانه دیدیم تمام آن ها نظر موافق دارند. البته وکیل AIC دارد راه های قانونی را نگاه می کند.

یک نقل قولی بکنم از جانب یکی از دوستان به نام آقای نمازی که جزء هیأت مدیره ی شورا هم هست . ایشان با سناتوری ملاقاتی داشته و وقتی گله می کنند که شما چرا یک چنین لایحه ای تصویب کردید، شما روی یک میلیون ایرانی اثر گذاشتید. آن سناتور چنان اظهار بی اطلاعی از وجود یک چنین تعداد ایرانی در این جا می کند. آن ها حتا نمی دانستند که چه تعداد ایرانی در امریکا هست.

در هر صورت AIC قصد دارد گروه های مختلف ایرانی را به شان آن قدر اطلاع بدهد (البته هیچ وقت قصد نداریم که آن ها را زیر یک پرچم دریاوریم) تا در یک جهت قدم بردارند بعد به این صورت، از آن حسن استفاده بکنیم.

■■ خلیلی: تردیدی نیست که رسانه ها زبان بخشی از مردم هستند که آن مردم، سوالاتی را مطرح کرده و آن رسانه ها هم پاسخ گو هستند تا مردم در جریان اوضاع کاری همه ی افراد قرار گیرند. یعنی وظیفه یک سیستم آزاد در حقیقت این است. در خصوص روابط بین دو دولت جمهوری اسلامی و امریکا که طبیعتا مسأله بسیار حساسی است، یعنی رابطه برقرار کردن جمهوری اسلامی با امریکا. مسئله بسیار حساسی است من اتفاقاً داشتم برنامه های شما در سانفرانسیسکو را نگاه می کردم. همان طور که آقای معظمی در همین رابطه یعنی perform, image , exposure یک مطلب خوب گفتند، ایرانی ها در آمریکا ۱۰٪ perform کردند اما image و exposure لازم را برای هر کاری که لازم است نکرده اند. و این کاملا صحیح است با توجه به حساسیت بسیار پراهمیتی که اصولا در ذهن هر ایرانی مسئله دولت جمهوری اسلامی بر می انگیزد، شما اولاً دقیقاً expose کنید مسئله دولت جمهوری اسلامی را و platform سیاسی شورا را در رابطه با دولت جمهوری اسلامی، و ما به بگوییید با توجه به این مطلب، وقتی شمااین صحبت را می کنید با توجه به این مسائل perform, image , exposure شما بایستی در برابر حرکات جمهوری اسلامی موضع بگیرید و هر از گاهی آن را بیان کنید و بگوییید شورا کجا ایستاده؟ به خاطر این که مجموعه ی توده ها یادشان می رود که شما چه مواضعی گرفتید و این مواضع بسیار بسیار مهم است. حالا شما وقتی صحبت می کنید من ادامه می دهم یا سوالاتی که دارم.

▲▲ امیراحمدی: اولا عرض کنم خدمت تان که تا الان شورا به هیچ وجه از رابطه ی بین دو کشور (دولت) صحبت نکرده است. ما یک platform هستیم برای درک بهتری از مسایل. ما اصلاً در رابطه ی بین دو دولت نیستیم. رابطه را دولت ها می سازند. یعنی بنده یا آقای قهاری یا شورا، روی این که رابطه برقرار شود، حرف نمی زنیم. ما اعتقاد داریم برای ایجاد رابطه باید یک درک درست باشد و این درک درست باید به گونه ای باشد که بگوید بین ایران و آمریکا مسأله ی رابطه حل می شود یا نمی شود. در حقیقت از مأموریت های شورا این نیست که رابطه ایجاد کند، بلکه درک بهتری بین دو کشور به وجود بیاورد. این خیلی مهم است که ما بین رابطه و درک، تفاوت اساسی بگذاریم. نکته دوم این که ما حزب سیاسی نیستیم. ما یک public policy institution هستیم. هدف ما تاثیرگذاری روی سیاست های عمومی است. ما با قدرت دولت برخورد نمی کنیم. علتش هم ساده است. زیرا شورا یک سازمان آمریکایی است. ما هدف نداریم در قدرت دولت شریک شویم یا آن را بگیریم، شورا یک سازمان آمریکایی است. هنوز هم ۶۵٪ از اعضای هیأت مدیره ی ما و ۷۰٪ پولش را آمریکایی ها می دهند. ما به عنوان یک سازمان آمریکایی به خود اجازه نمی دهیم که در امور داخلی ایران دخالت کنیم.

●● اخوان: آیا شما به عنوان فرد می توانید اظهار نظر کنید؟

▲▲ امیراحمدی: من به عنوان رییس شورا نمی توانم در مخالفت با جمهوری اسلامی موضع بگیرم چون تمام اعضای آمریکایی شورا می روند. برای این که هدف شان این نیست. در واقع ما یک سازمان سیاسی نیستیم. دولت ایران و آمریکا دعوا دارند حالا می خواهند صلح کنند و یا . . . .

ما یک اداتوریال نوشتیم ۸۰٪ تیم گفتند که شما نمی توانید ایدئولوژیک بکنید.

بله من به عنوان شخص می توانم اظهار نظر کنم. من در حدود ۱۸۰- ۱۷۰ تا کتاب و مقالات زیادی نگاشته ام که آخرین آن، «نگاهی نو به جنبش اصلاحات در ایران» آخرین اثرم است . من خودم از آدمی ملی و سوشیال دمکرات می دانم. من آدمی هستم که اعتقاد به عدالت اجتماعی و دمکراسی در ایران دارم. اعتقاد دارم ایران باید رشد اقتصادی بکند ولی رشد اقتصادی نمی تواند در ایران پایدار باشد زیرا حتماً باید همراه با توسعه ی سیاسی و عدالت اجتماعی باشد تا تأثیرگذار باشد. اتفاقاً یکی از دلایل سقوط شاه هم همین بود. شاه رشد اقتصادی را جدا از عدالت اجتماعی و توسعه ی سیاسی بالا برد، در حالی که این سه باید با هم متوازن باشند. در تاریخ ایران بارها بارها (این مسئله را) رفتیم و افتادیم.

●● خلیلی: برای جامعه ی ایرانی مهم است که موضع شورا در برابر جمهوری اسلامی چیست؟ شما وقتی عکس دکتر کمال خرازی را در کتابچه خود نشان می دهید که با او ملاقات کردید، یا نشان می دهید کروبی را به موزه ی «متروپلیتن» می برید، می دانید کروبی یک آدمی است که دستش به خون مردم ایران (حداقل از نظر جامعه ی ایرانی خارج از کشور) آلوده است. شما در حقیقت با آوردن او و expose کردن او در «متروپلیتن» موضع خود را از آن بخش نشان دادید یا نه؟ اصولاً موضع شما در برابر این مسئله چیست؟

▲▲ امیراحمدی: اتفاقا یکی از زیباترین کارهایی که تا به حال کرده ایم همین بوده است. یادتان باشد وقتی کروبی را این جا آوردیم ۱۳ تا از یهودیان ایرانی را جمهوری اسلامی گرفته بود. کروبی آمد در موزه «متروپلیتن». ما آوردیم او را و با رهبران یهودی و با چند سناتور یهودی قدرتمند این کشور گذاشتیم پی جا. گفتیم این آدم آمده، او یکی از تصمیم گیرنده های جمهوری اسلامی است. ببینید حرفش و منظورش چیست. ما گفتیم آقای کروبی شما آمدید در این شهر. رهبران یهودی این کشور می خواهند بدانند شما چرا ۱۳ تن یهودی ایرانی را گرفته اید، توضیح بدهید. یادتان باشد من نیاوردم کروبی را به طور خصوصی که صحبت های خصوصی داشته باشیم و مثلا با چند تا آدم صحبت کنند که رابطه ایران با . . . . بلکه به طور رسمی و جلوی ۲۰۰ تن از جراید و مطبوعات آوردیم و عکسش را هم در کتابچه مان انداختیم.

اصولاً شورا کارهایش بسیار شفاف است یعنی اگر ما کاری را کرده ایم چه اشتباه، چه درست، به مردم ایران می گوییم. این یکی از افتخارات شوراست. گفتیم این هم آقای کروبی و ۵ تن از وکلای مجلس ایران. نماینده ی کلیمی های ایران در مجلس هم (به هر حال چه موافق ایشان باشید چه مخالف، آقای معتمد به عنوان نماینده ی یهودیان ایران در مجلس می نشیند) در آن reception بود ما فکر کردیم خدمت بزرگی به برادران یهودی خود در ایران کرده ایم.

■■ قهاری : آقای کروبی هر وضعیتی با ملت ایران دارند، کسی است که رییس مجلس شورای اسلامی است بنابراین حتی سناتورهای آمریکایی نمی توانند با نماینده های دولت صحبت کنند بلکه باید با هر ردیف های خود صحبت کنند بنابراین اگر به جای کروبی ما فرشته ای می آوردیم که تاثیر گذار نبود، آیا فایده ای داشت؟ من معتقدم بعضی وقت ها واقعیت این است که اگر می خواهید به هدف تان برسید باید به یک چیزهایی گردن نهید. من بارها عدم علاقه مندی خود را که چرا بعضی از عکس ها در بروشور هستند، گفته ام. ولی وقتی منطق را گوش می دهم می بینم که این یکی از کارهای شورا است. اگر اشتباه بوده باید چوبش را بخوریم و اگر خوب بوده باید نشان دهیم.

●● اخوان: آقای دکتر قهاری شما خزانه دار شورا هستید این فعالیت ها که من می شنوم هزینه زیادی دارد. از آن طرف آقای دکتر امیراحمدی می گوید که ما نه از دولت آمریکا پول می گیریم نه از دولت ایران و نه از هیچ کجا. پس بودجه شما را که می دهد؟

▲▲ امیراحمدی : من نگفتم از هیچ کجا. گفتم از دولت ها نمی گیریم.

■■ دکتر قهاری : اگر من حقیقت را بگویم که یک خرده خجالت می کشم شما دلتان به حال ما می سوزد. AIC در حال حاضر از نظر حسابداری منفی است . ولی بودجه اش از چندین شرکت تأمین می شود. مقداری از بودجه می ما از چندین شرکت نفتی مثل شل، شورون ، موبیل و . . پرداخت می شود. البته مبلغ زیادی نیست. حتماً وقتی من می گویم شرکت نفتی، شما فکر می کنید راجع به اعداد ۷- ۶ رقمی صحبت می کنم. ولی مثلاً بالاترین رقم ۶۵ هزار دلار در سال است ۲ تا ۳ تا شرکت نفتی این جوری داریم که به ما کمک می کنند و مقداری را هم تا به حال از طریق همین کنفرانس ها به دست می آوریم . شورا چیزی در حدود ۳۰۰ تا ۵۰ هزار دلار در سال خرج دارد که از این رقم در حدود ۳۵۰ هزار دلار توسط این شرکت ها داده شده است. و مقداری جزیی هم از طریق اعضای هیأت مدیره تامین می شود. البته امسال و سال گذشته خرجمان زیاد شده است. همین مسافرت به غرب آمریکا (کنفرانس دیئب) چیزی در حدود ۶۰- ۵۰ هزار دلار برای ما خرج برداشت . بنابراین تا به حال خدا کریم بوده و یک جوری گذشته است. ضمناً امیراحمدی هم از درآمدهای دیگر خودش مانند حقوق دانشگاه، درآمد کتابهایش و ... را توی شورا گذاشته و شورا الان به او بدهکار است . البته این باعث نشود توهمی که از شوراست که تصور می شود AIC مؤسسه ای است که با میلیون ها دلار پول بازی می کند، یک دفعه از چشم تان بیفتد و بگویید که چه مؤسسه ی کوچکی است. زیرا مسئله ی ما واقعاً مسئله ی پول نیست . مسئله «اعتقاد داشتن، ارتباط صحیح و دنبالش رفتن و به قول معروف پافشاری کردن در انجام هدف هاست». خود من هم بارها کمک کرده ام اما مجموع کمک های من در عرض این یکی دوسالی که عضو شده ام بیش از ۵۰ هزار دلار نمی شود.

●● اخوان : من می توانم بفهمم که شما یعنی آقای دکتر اکبر قهاری چرا به این سازمان ها کمک می کند (به خاطر) کمک به ایرانی های امریکایی. اما نمی توانم بفهمم چرا شل یا شورون و یا ... کمک می کنند؟

■■ قهاری : ببینید کمک های من به شورا فقط به این دلیل نیست که به جامعه ی ایرانی کمک کنم، بلکه یک دلیل دیگرش این است که من یک کارخانه ای دارم که تولیدی دارد که در تمام دنیا فروش دارد و ۵۰ نمایندگی در سراسر دنیا دارد . این ماده، ماده بسیار موفقی است که در ساخت سنگ مرمر مصنوعی استفاده می شود . همانطور که می دانید همه دوست دارند که در آشپزخانه شان «کورینت» داشته باشند. ماده اولیه این سنگ مرمر مصنوعی را کارخانه ی من ساخته و به «کورینت» می دهد. این محصول اختراع یک ایرانی است . یکی از آرزوهای من این است که در ایران فعالیت کنم، چون هم از نظر اقتصادی و هم از این نظر که من یک ایرانی هستم. می دانید که شرکت من یک شرکت امریکایی است اگر روزی این تحریم ها برداشته شود من نفع می برم . همین فلسفه را شرکت های نفتی دارند . در حال حاضر در حالی که به نظر من شرکت های نفتی آمریکایی از نظر تکنولوژی، قدرت و ... صلاحیت دارند اما به دلیل تحریم ها سهمی در بازار نفت ایران ندارند. نفعی که ملت و دولت ایران هم می توانند از این مسئله ببرند یعنی از وجود یک گروه دیگر شرکت نفتی آمریکایی، این است که در بازار رقابت بیشتری ایجاد می شود. الان فقط ۲- ۳ تا شرکت اروپایی در بازار ایران هستند اما با ورود شرکت های آمریکایی آن ها مجبور می شوند به ایران آوانس های بیشتری بدهند. و ایران می تواند قیمت ها را کنترل کند . این چیزی است که من فکر می کنم پشت سر این شرکت های نفتی است یعنی عقلانی، باید این باشد.

ادامه دارد